

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۰۴۱۳۱



بررسی رابطه علیت گرینجری تورم و کسری بودجه در ایران

پایان نامه ارائه شده به گروه اقتصاد
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی
دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد
در رشته برنامه ریزی سیستمهای اقتصادی

توسط:

زهرا هاشمی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر عبدالامیرخلیلی

۱۳۸۶ / ۱۸ / ۲۷

تیر ۱۳۸۶

۱۵ ۴۸۳۱

برگ تایید پایان نامه

عنوان پایان نامه: بررسی رابطه علیت گرینجری بین تورم و کسری بودجه

دانشجو: زهرا هاشمی

دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی سیستمهای اقتصادی

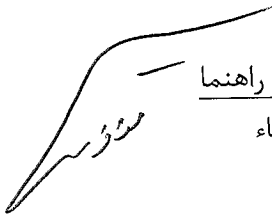
این پایان نامه در جلسه مورخ ۸۶/۶/۱۶ با نمره ۱۶/۵ و درجه بسیار خوب . مورد تایید اعضای کمیته
پایان نامه متشکل از استادان زیرقرار گرفت:



استاد راهنما

دکتر عبدالامیر خلیلی

امضاء

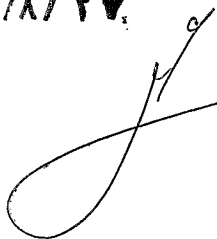


استاد راهنما

دکتر محمد نوفرستی

امضاء

۱۳۸۶ / ۸ / ۲۷



استاد ناظر

دکتر عباس عرب مازار

امضاء



اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه، توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، در فاصله زمانی خرداد ۸۵ تا تیر ۸۶ به انجام رسیده است. به استثنای کمک های اشاره شده در بخش سپاسگزاری، محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاه ها ارائه نشده است.

زهرا هاشمی

تیر ۱۳۸۶

امضاء



سپاسگزاری

بعد از سپاس و حمد خداوند متعال؛

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر خلیلی به خاطر زحمات بی دریغ ایشان تشکر می‌نمایم.

همچنین از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر نوفرستی که چه در دوران تحصیل و چه در مراحل انجام پایان نامه، اینجانب از راهنمایی‌های سودمند ایشان بهره‌مند بوده‌ام، قدردانی می‌نمایم.

از استاد ارجمند جناب آقای دکتر عباس عرب مازار که در نهایت لطف این پایان نامه را ملاحظه نمودند، سپاسگزارم.

عنوان پایان نامه : بررسی رابطه علیت گرینجری بین تورم و کسری بودجه
دانشجو: زهرا هاشمی
استاد راهنما: جناب آقای دکتر خلیلی
استاد مشاور: جناب آقای دکتر نوفرستی
دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی سیستمهای اقتصادی

چکیده

یکی از مسایل پیش روی بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه کسری بودجه دولت است، کسری بودجه و تامین آن از طریق استقراض از بانک مرکزی به عنوان یک سیاست انبساط پولی عمل می کند که می تواند با افزایش پایه پولی منجر به افزایش سطح عمومی قیمتتها گردد.

از سوی دیگر تورم های پیاپی می تواند به کسری بودجه دولت دامن زده و این رابطه را به یک رابطه دو سویه تبدیل نماید.

با توجه به اهمیت تورم و توجه دولتها به این مقوله و تاثیر این متغیر بر سایر متغیرهای اقتصادی، در این پایان نامه به بررسی رابطه تورم و کسری بودجه و بررسی اثر متقابل این دو متغیر می پردازیم. که این بررسی از طریق توابع تعریف شده برای تورم و کسری بودجه این بررسی صورت می پذیرد. عمده متغیرهای مدل عبارتند از کسری بودجه، تورم، قیمت کالاهای وارداتی و نرخ ارز.

برآورد توابع با استفاده از روش همجمعی و براساس آزمونهای پایایی صورت گرفته است. این تحقیق حاکی از یک رابطه دو طرفه بین کسری بودجه و تورم و اثر متقابل این دو متغیر است.

واژگان کلیدی : رابطه علیت گرینجری، سطح عمومی قیمتتها، کسری بودجه، تورم ، همجمعی

صفحه	فهرست مطالب
۱	پیشگفتار
۲	فصل اول: کلیات و مفاهیم کسری بودجه و تورم
۳	تورم
۵	انواع تورم
۵	انگیزه دولتها در ایجاد تورم
۷	آسیب های تورم
۹	بودجه
۱۱	علل ایجاد کسری بودجه
۱۳	بررسی روند متغیرهای کلان اقتصادی در ایران
۲۲	فصل دوم: مبانی نظری تورم و کسری بودجه
۲۳	نظریه مقداری پول
۲۴	معادله مبادله فیشر
۲۵	معادله کمبریج
۲۶	تورم از دیدگاه فریدمن
۲۸	نظریه منحنی فیلیپس
۲۸	نظریه فشار هزینه
۲۹	نظریه تورم ساختاری
۳۴	تورم ناشی از فشار تقاضا
۳۵	تورم ناشی از فشار عرضه
۳۷	دیدگاههای اقتصادی کسری بودجه
۴۱	فصل سوم: مطالعات انجام شده
۴۱	مطالعات انجام شده برای کشورهای در حال توسعه
۴۸	مطالعات انجام شده برای اقتصاد ایران
۵۳	فصل چهارم: ارائه الگو و برآورد توابع و بررسی رابطه علیت گرینجری
۵۴	تصریح الگو

صفحه

فهرست مطالب

۵۶

شرحی بر داده های آماری

۶۲

برآورد الگو

۷۰

فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری

پیشگفتار

تورم یکی از مهمترین متغیرها می باشد و همواره مد نظر سیاستگزاران قرار گرفته است به خصوص در اقتصادهای در حال توسعه، تورم می تواند تحت تاثیر متغیرهای اقتصادی چون کسری بودجه دولت قرار گیرد. کسری بودجه نیز می تواند در شرایط تورمی افزایش یابد.

هزینه های دولت به وسیله درآمدهای آن تامین می گردد، بخشی از این درآمدها از محل مالیات ها حاصل می شود و معمولاً دولت با وقفه طولانی طولانی به درآمدهای مالیاتی خود دست می یابد. بدین جهت دولتها در کشورهایی که دچار مشکل تورم است، با کسری بودجه ای حاصل از وقفه ایجاد شده در درآمدهای مالیاتی و کاهش ارزش این درآمدها به دلیل تورم، مواجهند و نهایتاً دولت مجبور است، کسری بودجه خود را از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی و در نتیجه افزایش عرضه پول خواهد شد.

به عبارتی تامین کسری بودجه از محل بانک مرکزی به صورت یک سیاست پولی انبساطی عمل خواهد کرد که به افزایش سطح عمومی قیمتتها منجر شده و می تواند باعث تورم گردد.

در این تحقیق به رابطه علت و معلولی بین تورم و کسری بودجه دولت می پردازیم و به انتخاب یکی از این دو متغیر به عنوان متغیری هستیم که بایستی هدف گذاری ها بر روی آن صورت گیرد. در فصل اول به کلیات و مفاهیم تورم و کسری بودجه پرداخته شده است. در فصل دوم تئوری های تورم و کسری بودجه از نظر مکاتب مختلف مورد توجه قرار گرفته است، تا در تصریح یک مدل برای کسری بودجه و تورم به کار گرفته شود.

در فصل سوم مروری بر مطالعات تجربی انجام شده در زمینه تورم و کسری بودجه صورت می گیرد. در فصل چهارم به تصریح الگوی تورم و کسری بودجه و برآورد این توابع به روش همجمعی پرداخته و پایایی تمام متغیرها به کمک آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته مورد آزمون قرار خواهد گرفت. سپس وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت بین تورم و کسری بودجه و بالعکس کسری بودجه و تورم و متغیرهای توضیحی الگو و رابطه علیت گرینجری مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فصل اول

کلیات و مفاهیم کسری بودجه و تورم

اکثر کشورهای در حال توسعه در یک زمان یا زمانهای متفاوت با دو مسئله مواجهند، یکی نرخ بالای تورم داخلی و دیگری کسری در تراز پرداختها.

در این مشکلات اغلب می توان ردپایی از وضعیت کسری بودجه دولت یافت که نتیجه آن توسعه بیش از حد مالی و تشدید تقاضای داخلی است. به عبارتی کسری بودجه منجر به استقرار دولت از بانک مرکزی می شود و در نهایت افزایش پایه پولی و در نتیجه افزایش عرضه پول را در پی خواهد داشت. به عبارتی تامین کسری بودجه از محل بانک مرکزی به صورت یک سیاست پولی انبساطی میل خواهد کرد که به افزایش سطح عمومی قیمت ها منتهی می شود و می تواند باعث افزایش تورم شود.

زمانی که سهم بخش عمومی از تولید ناخالص ملی گسترش می یابد و نقش دولت به عنوان مهمترین عامل اقتصادی مطرح می شود، این نتیجه گیری نمود بیشتری پیدا می کند. در کشورهای در حال توسعه که بخش خصوصی به صورت توانمندی حضور ندارد، دولت و بودجه آن به عنوان مهمترین عامل بالقوه در جهت رشد و توسعه اقتصادی مطرح می باشد و اثرات آن به مراتب گسترده تر از کشورهای صنعتی است.

تورم نیز به طور مستقل می تواند به کسری بودجه ای که حاصل از وقفه ایجاد شده در درآمدهای مالیاتی و کاهش ارزش این درآمدها به دلیل تورم است، منجر شود.

۱-۱- تورم

در دهه هفتاد میلادی که تورم در قریب به اتفاق کشورها به صورت حاد پدید آمد، توجه اقتصاددانان را به خود معطوف ساخت، تعاریف متعددی برای تورم وجود دارد و تعریفی که اکثر اقتصاددانان بر آن تاکید دارند عبارتست از "افزایش دائمی در سطح عمومی قیمت ها"

۱-۱-۱- تعریف تحلیلی تورم^۱

تورم ناشی از وضعیتی است که در اقتصاد سطح عمومی قیمتها به طور بی رویه یا بی تناسب، مداوم و غالباً به صورت غیر قابل بازگشت افزایش می یابد. در این تعریف چند نکته مهم ملاحظه می شود. نکته اول مربوط به ماهیت نامتناسب افزایش قیمتها در یک دوره تورمی است. اگر در این زمان افزایش نسبی قیمتها برابر با متوسط افزایش بهره وری یا محصول نهایی نیروی کار شود و دستمزد اسمی نیز به همان نسبت افزایش یابد به طوریکه میزان دستمزد واقعی ثابت بماند با وجود آنکه قیمتها ترقی کرده است، افزایش سطح عمومی قیمتها، متناسب تلقی می شود. از این لحاظ، فشار روی قیمتها ممکن است در شرایط معین به وسیله افزایش سطح عمومی دستمزد، که خود از افزایش بهره وری نیروی کار ناشی می شود، خنثی گردد. در این وضعیت ما در اقتصاد تورم نداریم و در نتیجه درآمد واقعی گروه درآمدی ثابت به طور معکوس تحت تاثیر قرار نمی گیرد و ارزش واقعی پول کاهش نمی یابد.

بنابراین به افزایش عادی قیمتها در اقتصاد پس از یک دوره رکود ملایم اقتصادی، تورم گفته نمی شود. لیکن هرگاه افزایش نسبی قیمتها طی زمان بنا به دلایلی بیشتر از افزایش متوسط بهره وری یا محصول نهایی نیروی کار و افزایش نسبی دستمزد پولی ناشی از آن شود، تورم به

۱. فریدون تقضلی (۱۳۷۷)

مفهوم واقعی خود یعنی افزایش نامتناسب قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید پول به وجود می‌آید. زیرا در این حالت دستمزد واقعی کاهش می‌یابد و در وضعیت عدم تعادل در حدی قرار می‌گیرد که از سطح محصول نهایی کار کمتر است.

نکته دوم در تعریف تحلیلی تورم مربوط به عنصر زمان و تداوم افزایش سطح عمومی قیمت می‌شود. در این رابطه، اقتصاددانان بین تورم ایستا و جریان تورمی تفاوت می‌گذارند. در حالت اول تورم به عنوان یک پدیده ایستا مطرح می‌شود. یعنی بعد از اینکه سطح عمومی قیمت بنا به دلایلی فقط برای یک بار و در یک دوره زمانی معین افزایش یابد و در نهایت متوقف شود. این نوع افزایش سطح قیمت نیز تورم واقعی تلقی نمی‌شود، بلکه جریانی ایستاست که اقتصاد را از یک وضع تعادل به وضع دیگر جابجا می‌کند.

حال اگر در وضع جدید تعادل، سطح عمومی قیمت بنا به دلایلی به طور مستمر افزایش یابد و نرخ تورم به مرور زمان صعود کند، در این حالت تورم به مفهوم واقعی خود که پدیده ای است مستمر و پویا به وجود می‌آید که آن را جریان تورمی یا تورم پویا می‌گویند. بنابراین، براساس تعریف میلتون فریدمن، تورم عبارتست از افزایش نامتناسب و مداوم سطح عمومی قیمت‌ها یا کاهش مستمر قدرت خرید واقعی پول.^۱

نکته دیگر در تحلیل تورم، مربوط به ماهیت غالباً غیر قابل بازگشت افزایش قیمت‌ها می‌شود. هنگامیکه تورم در اقتصاد شروع می‌شود و قیمت‌ها به طور بی‌تناسب بالا می‌رود، برای مهار تورم باید سعی شود که از نرخ تورم به تدریج کاسته شود و کاهش سطح قیمت‌ها معمولاً امکان‌پذیر نیست، زیرا همواره همراه با تورم، هزینه‌های تولید نیز افزایش می‌یابند و به این دلیل که هزینه‌های تولید که پشت قیمت‌ها قرار دارند به آسانی قابل کاهش نمی‌باشند، قیمت‌های تورمی در کوتاه مدت خاصیت چسبندگی پیدا می‌کنند.

^۱ Milton Friedman (۱۹۶۸)

۱-۱-۲- انواع تورم

تورم را بر مبنای درجه شدت آن، می توان به سه دسته تقسیم نمود:

الف- تورم خفیف

این نوع تورم که از آن به تورم خزنده^۱ هم یاد می شود، به افزایش ملایم و کند قیمت ها در طول زمان اطلاق می شود، این نوع تورم معمولاً افزایش و رشد یک رقمی سطح عمومی قیمت ها در سال را در پی دارد.

ب- تورم شدید

در این نوع تورم که از آن به نام تورم تازنده^۲ یاد می شود، آهنگ رشد قیمت ها شدید می باشد، هر چند ضابطه خاصی برای تعیین دامنه این نوع تورم وجود ندارد، لیکن نرخ های رشد قیمت بیش از ۱۰ درصد را می توان به عنوان تورم شدید تلقی کرد.

ج- تورم بسیار شدید

در این نوع تورم، رشد قیمت ها بسیار سریع و لجام گسیخته است، ویژگی عمده این نوع تورم بروز بی اعتمادی کامل نسبت به پول رایج کشور است. به عنوان یک معیار کمی، رشد قیمت ها در حدود ۵۰ درصد به بالا در ماه را به عنوان تورم بسیار شدید یا ابر تورم^۳ نام گذاری می کنند.

۱-۱-۳- انگیزه دولتها در ایجاد تورم^۴

کوکرمن^۵ در ارتباط با دلایل ایجاد تورم توسط دولت، چند انگیزه را موثر می داند، که به شرح زیر می باشد.

^۱.Creeping Inflation
^۲.Gallopig Inflation
^۳.Hyperinflation

^۴- دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی(۱۳۸۴)

^۵.Cukierman

الف- انگیزه کاهش بیکاری

تحت شرایطی که بیکاری از سطح نرمال آن (بیکاری طبیعی) بالاتر باشد، دولت (مقامات پولی) ممکن است برای کاهش بیکاری از طریق ایجاد تورم پیش بینی نشده اقدام کنند البته اگر عوامل بخش خصوصی این انگیزه را شناخته و بر اساس آن، رفتار خود در خصوص تعیین قیمت ها را تغییر دهند، اشتغال رشد نمی کند. وجود چرخه های سیاسی که دولت ها در دوره انتخابات جهت کسب محبوبیت برای کاهش بیکاری اقتصاد را متورم می سازند نیز حالت خاصی از این بحث می باشد.

ب- انگیزه های درآمدی

گاهی ممکن است دولت ها بخواهند از طریق حق آقایی^۱، درآمد کسب کنند. کشورهای با کسری بودجه بالا و نظام مالی ضعیف برای استفاده از مالیات تورمی به منظور رفع عدم تعادل مالی خود انگیزه بیشتری دارند. متغیرهایی همچون نسبت بدهی های دولت به تولید ناخالص داخلی، کسری های عمومی دولت به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی، علاوه بر متغیرهایی که میزان توسعه بازار اوراق قرضه دولتی را اندازه می گیرند، به عنوان شاخص هایی برای شناخت این انگیزه کاربرد دارند.

ج- انگیزه تراز پرداختها

دولت ها ممکن است برای کاستن از مشکلات تراز پرداخت ها به کاهش رسمی ارزش پول پناه ببرند. این سیاست، قیمت های داخلی را تحت فشار قرار داده و دستمزدهای حقیقی را کاهش می دهد، در نتیجه صادرات رونق گرفته و واردات کاهش می یابد و وضع تراز پرداختها را بهبود می بخشد. این انگیزه به خصوص برای کشورهایی که به بازارهای سرمایه بین المللی دسترسی محدود دارند، قویتر می باشد.

^۱.Seniorage

۱-۱-۴- آسیب های تورم

تورم از جمله پدیده های اقتصادی است که دارای آثار و تبعات نامطلوب فراوانی می باشد، از جمله این آثار می توان به توزیع مجدد درآمد به نفع صاحبان دارایی های فیزیکی و به زیان حقوق بگیران، افزایش نااطمینانی، کاهش افق سرمایه گذاری و . . . اشاره کرد. مهمترین اثرات این پدیده اقتصادی عبارتند از^۱:

الف- آثار تورم بر توزیع درآمدها

یکی از مهمترین اثرات تورم، تاثیر آن بر توزیع درآمدهای اسمی و حقیقی است، که باعث می شود درآمد برخی از طبقات و گروههای دیگر افزایش یابد. تورم به افراد با درآمد پولی ثابت ضربه می زند و از قدرت خرید واقعی آنان می کاهد، از سویی به دارندگان دارایی های فیزیکی منفعت می رساند.

ب- آثار تورم بر انحراف منابع از تولید کالاهای ضروری به تولید کالاهای لوکس

از آنجا که در شرایط تورمی، درآمد حقیقی قشرهای دارای درآمد ثابت، کاهش می یابد، بنابراین میزان تقاضای این گروه رو به کاهش خواهد گذاشت و به دنبال آن میزان تولید کالاها و خدمات مورد نیاز این طبقات تقلیل خواهد یافت (عموماً کالاهای ضروری). از سویی به دلیل توزیع مجدد درآمد به نفع صاحبان دارایی فیزیکی، تقاضای این طبقه برای کالاها و خدمات لوکس به شدت بالا می رود و واضح است که منابع به تولید این کالاها و خدمات سوق داده می شود. بنابراین انحراف منابع جامعه از تولید کالاها و خدمات ضروری به سمت تولید کالاها و خدمات لوکس، یکی دیگر از معضلات تورم به شمار می رود.

ج- آثار تورم بر نااطمینانی در فعالیتهای اقتصادی

نااطمینانی تصمیم گیری در بخش خصوصی و بخش دولتی یکی دیگر از مشکلات تورم است. یکی از مشکلات بنگاهها در هنگام وجود تورم، محاسبه و برآورد استهلاک می باشد.

^۱ - دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی (۱۳۸۴)

بنگاههای اقتصادی مایلند برای ادامه فعالیت های اقتصادی خویش، عمر دقیق تاسیسات و ماشین آلات را محاسبه و همه ساله مبلغی را تحت عنوان ذخیره استهلاک ماشین آلات پس انداز کنند تا از محل آن بتوانند برای خرید ماشین آلات جایگزین اقدام کنند. با وجود تورم معمولاً این محاسبات غیر ممکن می شود زیرا افزایش شدید قیمت ها مانع از آن است که بتوان قیمت خرید یک ماشین را در آینده پیش بینی و بر اساس آن اقدام به تامین ذخیره استهلاک کرد. علاوه بر مشکلات پیش بینی استهلاک، پیش بینی در قیمت گذاری های آینده و پیش بینی تقاضا و درآمدهای آینده بنگاه و پیش بینی هزینه ها نیز به خاطر نا اطمینانی ناشی از تورم تصمیم گیری های بهینه بنگاه را دچار مخاطره و نا اطمینانی می کند.

د- آثار تورم بر بودجه عمومی دولتها

در شرایط تورمی، میزان هزینه های عمومی دولت ها افزایش می یابد (زیرا دولت ها پروژه ها و سایر نیازهای خویش را با قیمت های بیشتری به نسبت قبل تهیه می کنند). دولت ها تحت این شرایط مجبورند تا درآمدهای خویش را افزایش دهند. این افزایش نیاز به درآمد، معمولاً افزایش مالیات ها و یا استقراض از بانک های مرکزی تامین می شود (در کشورهای در حال توسعه منابع مالی مورد نیاز بیشتر از طریق استقراض از بانک های مرکزی تامین می شود، که خود دارای اثرات تورمی است).

ه- آثار تورم بر رشد اقتصادی

در خصوص آثار تورم بر رشد اقتصادی نظرات یکسانی وجود ندارد، برخی از اقتصاددانان تورم ملایم (حدود ۳ الی ۴ درصدی) را برای اقتصادهایی که در سطحی پایین تر از اشتغال کامل قرار دارند، مفید می دانند. توجیه این عده آنست که در این شرایط سود سرمایه گذاران افزایش یافته و این امر موجب تشویق سرمایه گذاری و انتقال منحنی امکانات تولید به سمت بالا می شود. ولی عده دیگری از اقتصاددانان اعتقاد دارند که سطح متوسط قیمت حتی اگر سالانه رشدی برابر ۳ تا ۴ درصد را هم داشته باشد قابل تحمل نیست و باید از آن جلوگیری کرد.

این اقتصاددانان استدلال می کنند که تورم ملایم ممکن است به تورم شدید مبدل شود و این امر مقدمات رکود اقتصادی را فراهم کند. اگر قیمت ها در سال رشدی برابر ۳ الی ۴ درصد داشته باشد مصرف کنندگان و تولید کنندگان پیش بینی می کنند که قیمت ها در آینده با نرخى بیش از نرخ موجود، افزایش خواهد یافت. بنابراین پس اندازهای خویش را به جای اینکه در بانکها نگهداری کنند به صورت ذخایر بیکار نگهداری کرده و با خرج کردن آن از تورم بیشتر در آینده خویش را مصون می دارند. بنابراین تقاضای برای کالاها افزایش می یابد و از این جهت فشار بر روی سطح عمومی قیمتها بیشتر شده و تورم به صورت یک فرآیند خودافزا در می آید. تحت این شرایط تورم، رفتار پس انداز کنندگان را تغییر می دهد.

۱-۲- بودجه

سندی است که دخل و خرج دولت را برای یک سال مالی پیش بینی می کند. بودجه که توسط دولت تهیه می شود، بایستی برای اجرا به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. در تهیه و اجرای بودجه اصولی رعایت می شود که که اهم آن چنین است: بودجه می بایستی از نظر دخل و خرج تعادل داشته و کسری بودجه، امری استثنایی و از نظر اقتصادی قابل توجیه باشد. در همین رابطه در بودجه نویسی درآمدها نسبت به هزینه ها در تقدم قرار می گیرد، چرا که ابتدا بایستی کسب درآمد پیش بینی و براساس آن خرج تنظیم و برآورد شود.

تنظیم بودجه دارای اصولی است که به اجمال به اهم آن و توضیح مختصری پیرامون آن می پردازیم:

الف- اصل سالیانه بودن بودجه

به منظور امکان تخمین و پیش بینی دقیق تر اوضاع و احوال اقتصادی و مطابق عرف قانون گذاران تمام عملیات و بودجه ریزی کشور در طول یکسال شمسی تعیین می گردد.

ب- اصل وحدت بودجه

مطابق این اصل جهت جلوگیری از اتلاف وقت دولت و مجلس بایستی بودجه واحدی در یک مجموعه به تصویب برسد که حاوی تمام عملیات دولت بوده و فقط یک بار تنظیم گردد.

ج- اصل جامعیت بودجه

اولین مفهوم این است که تمام درآمدها و هزینه های دولت در سند بودجه جمع آوری، آنگاه به مجلس ارائه شود. یعنی ارقام مندرج در بودجه ترسیمی می بایست به طور ناخالص و بدون آنکه درآمدها از هزینه ها تهاتر گردند در سند بودجه درج شوند.

د- اصل شمولیت یا تفضیل

این اصل بیان می کند که بودجه دولت باید به صورت مشروح و به ریز و به تفضیل تهیه و تنظیم گردد. بدون این اصل، نظارت دقیق نمایندگان و دستگاههای نظارت و حسابرسی بر بودجه دولتی ممکن نخواهد بود.

ه- اصل تخصیص و عدم تخصیص

هر رقم مندرج در قانون بودجه باید به همان ترتیبی که به تصویب مجلس رسیده وصول یا مصرف شود. همچنین بر اساس این اصل عدم تخصیص که در واقع الهام بخشی از اصل جامعیت بودجه است، تاکید دارد که درآمدهای خاص در بودجه نباید به مخارج خاص اختصاص یابد.

و- اصل انعطاف پذیری

عبارتست از تغییر و جابجایی در هزینه و برنامه های دستگاهها، بدون آنکه در جمع اعتبارات مصوب تغییری به عمل آید. این اصلاح به زبان مالی اصلاح بودجه نیز معنی می دهد.

ز- اصل تخمینی بودن درآمدها

اگر درآمدهای دولت بیشتر و یا کمتر از رقم پیش بینی مندرج در بودجه تحقق یابد، مانعی نخواهد داشت و حتی درآمدهای قانونی غیر مندرج در بودجه نیز قابل وصول است.

ح- اصل تحدیدی بودن هزینه ها

حداکثر پرداختها در حد اعتبار مصوب بوده و تجاوز از آن ممنوع می باشد.

ط- اصل تعادل

تعادل بین هزینه ها و درآمدهای دولت طی یک دوره مالی می بایست برقرار باشد. چنانچه گفته شد، یکی از اصول تدوین بودجه توازن میان هزینه ها و درآمدهای دولت طی یک دوره مالی است و بودجه دولت نیز همانند هر حساب دیگری می بایست در حالت کلی در تراز باشد.

اولین بودجه ایران به روش جدید، پس از مشروطیت و در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی تهیه شد، پیش از آن با توجه به سابقه کهن تشکیل دولت در ایران، اسنادی مبنی بر دخل و خرج دولت تهیه و تنظیم می شد. در دوره قاجاریان درآمدهای دولت شامل مالیاتها یا درآمد ثابت و سیورسات یا درآمد غیرمنظم بود. مالیاتها از مالیات مستقیم - عمدتاً مالیات ارضی که به صورت نقدی و جنسی پرداخت می شد- مالیات بر پیشه وران و... درآمد ارضی خالصه، گمرکات، اجاره بها و مقاطعه ها تشکیل می شد. سیورسات شامل مصادره های عمومی، پیشکشها در روز میلاد حضرت محمد(ص) و ایام عید نوروز و درآمدهای فوق العاده مانند هدایا، جرایم و رشوه ها بود.

۱-۲-۱- علل ایجاد کسری بودجه

اگر چه در ایجاد، تشدید و ادامه روند کسری بودجه عوامل متعددی نقش دارند اما عمده ترین علت ایجاد کسری بودجه عبارتند از^۱:

^۱ . منوچهر زندی حقیقی (۱۳۷۰)

الف- کسری بودجه اداری

این نوع کسری بودجه در اثر فقدان سازمان صحیح اداری ایجاد شده و به دلیل ضعف مدیریت و سایر عوامل اداری هزینه های هنگفتی حیف و میل شده که کارایی سیستم به شدت افت می نماید. شرایط مذکور دولت را مجبور به استخدام نیروی کار جدید نموده و مخارج جدید اداری به شکل نامتناسب با سایر مخارج افزایش می یابد. سازماندهی های غلط، ناقص و کم بازده وصول درآمد، عدم صلاحیت برخی متولیان وصول مالیات، تقلب و پرداخت رشوه توسط برخی مودیان مالیاتی و انتخاب غلط سیستم مالیاتی از جمله مواردی هستند که سبب کسری بودجه اداری می شوند و از نظر مالیه جدید این نوع کسری بودجه نامعقول بوده و دولت باید در راستای رفع آن تلاش نماید.

ب- کسری بودجه ناشی از اوضاع و احوال اقتصادی

تغییر وضع اقتصادی ناشی از دوره های تجاری و عدم هماهنگی بوجود آمده بین درآمدها و هزینه ای دولتی از جمله عوامل بوجود آورنده این نوع کسری است. از آنجا که درآمدهای دولت نسبت به مخارج آن از حساسیت بیشتری برخوردار است و به هنگام تغییر اوضاع و احوال اقتصادی وظایف دولت همچنان پابرجاست یا حتی افزایش می یابد در حالیکه درآمدهای آن دستخوش تحول و دگرگونی می گردد. این نوع کسری بودجه از دیدگاه مالیه عمومی جدید اجتناب ناپذیر بوده و از آن به عنوان کسری بودجه معقول یاد می شود و تا حدودی باید از طریق سیاستهای مالی و پولی تامین مالی گردد.

ج- کسری بودجه ناشی از ساختار اقتصادی

این نوع کسری بودجه در اثر عدم هماهنگی میان درآمدهای دولت و مخارج عمومی ناشی از افزایش مخارج عمرانی است. از نظر توسعه اقتصادی مخارج فوق در راستای تقویت بنیان های اقتصادی و امور زیربنایی انجام می گیرد و سبب می شود تا اقتصاد کشور به مراحل بالاتری از توسعه اقتصادی نائل شود. این فرایند امری طویل المدت بوده و به نظر کارشناسان مالیه جدید، کسری بودجه حاصله یک کسری معقول به شمار می آید و به نظر برخی این